

ورد دل جای شده افزون ز مد اوا
اینها در دگر کرم و در میان ز کرم
جان داغ فردا در جگر فرقه حکم هم
بسوخته آن کس شده بر حسن کرات
کر ز لاله دلا وین تو ایست بسا کس
آنکس است سپید اشک بر افراشته نلم آه
عمر سست که کوه انوار بال من بدروز
آن جا و چه در همان جهان زره جای
کس جا به تکران که به بقعه و نشویم
ز می رسار و خفت آیت لطف و ستم با هم
چو کوه صخره و صفا و ده هان کلا کلا و نخی
بره مصلح که در حکم بجز آن چو بود و ستم
همی را اندر سار آن شیخ و زهر جانیش تا نما
تلم بر لاج که در حق نوستی حسد با من
بر من از شمع جلمس عالم ای تر نشد و دربان
چو جای می مانع باید سپید از اسیری را
که افتد و در پیش از پیش بر کرم با هم
من بنده حقیر و تو سلطان محبت
رخسار کشت ام ز غنای مقدمت
بر جانم از تو هر چه رسد جانم کشت
سرسر کشکان با دیر بهمان عشق را
شده سپید نام شکار و شکار از نند آه
روزی که بی نوشت قضایا آنه اجل
عمر سست هر چه خواست سفال سنان شست
جای کباب خفت نشو ز جام جسم

خدا هم از تفت سیل ز آفتابان تو
در رسم بران روزی از راه کرم بر خفت جفا
که خجسته ای بر روی تو بنده شیخ شمشیر
از غم من خنای ز دل خن نایم آید ملام
ریختن ما بلکه کعبه کرم ز نیست
روی که بپسندید کرم سوزن نیست پستی
تنگ شو بر جایی از بجز وقت شکر چه
وقت آن آمد که آرزو و صبر می بودم
منه و سیل و طغیان شکل ز بسا هم زمانه بیستم
سواد شیخ من و جلوه ناز و سیران
نماه بر جان تیر از بی صید و من مسکین
پس از غم ریاضت نیک کس که شکر و درون
من بود با حق حیدر و هم به مشی دیدن
بکوشش آن کرم کرم که دیدم هر کرم کرم
کشتا بشی اینک کشتی در جای درین سودا
بعد از تیر ماه تمام چون کرم
لبنت کرم در آن کس شک افشاک
خوشتر آن زمان که ترا به من و ز جبرانی
جفا و تو ام وقت رسد می و انتم
شکر لاله که بر جاسرام میدارند
کرم کرم کرم کرم چه نام من بر سنده
جو جایی از دوست و پرست شده اوا
بجز خلایق صیفا و جام چون کرم
الکرمی تو یکسب سر و پشته هم

تا کرم شرح غمت بر لاج خا کرم در رسم
تا کرم داری ز جگر و لکه کرم ستم
بیش طاعت کرم که لاله کرم سوزن کرم
غزیه خوراهم شده درین سیل دامادم کرم
بجز بختن درو مند ان نشد در کرم
فرش کرم چشم کرم بهر خدایم ز کرم
تنگ شو بر جایی از بجز وقت شکر چه
وقت آن آمد که آرزو و صبر می بودم
بلا و جان شده بر دوزخ و بی نایبیم
که آن یاد و کار کلا کلا کرم دست خناییم
چو کرم شایسته کرم کرم کرم کرم
شده کرم کرم کرم کرم کرم کرم
کجا تا کرم کرم کرم کرم کرم کرم
بجای او همین فرسوده شیخ است کرم
که فرود آمد کرم و ان افست جانم کرم
بله کرم کرم کرم کرم کرم کرم
خدیث طهر علی شیرین کلا کرم
چنان شوم کرم کرم کرم کرم کرم
که شکر این کرم کرم کرم کرم کرم
اگر ز دست تو با شکر کرم کرم کرم
چه این جسته کرم کرم کرم کرم کرم
جو جایی از دوست و پرست شده اوا
بجز خلایق صیفا و جام چون کرم
الکرمی تو یکسب سر و پشته هم

King Saud University